

## بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آن‌ها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی

سید محمد میرسندسی<sup>۱</sup>  
مصطفی محمدی قلعه سفیدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۱۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۱۱

صفحات مقاله: ۱۷۹-۲۰۴

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آن‌ها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی می‌باشد. جامعه آماری مورد پژوهش، دختران شهر تهران بین سنین ۲۰ تا ۵۰ ساله ۲۰۳۶، ۰۸۱، ۲ نفر هستند که نمونه مورد نظر ۳۸۵ نفر در پنج منطقه شهر تهران (شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق) در نظر گرفته شده است. چار چوب نظری تحقیق حاضر بر گرفته از دو دیدگاه نظری (ویلیام گود و روت دیکسون) می‌باشد.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌ای شامل ۳۷ سؤال محقق ساخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این تحقیق حاکی از آن است که سطح تحصیلات بالای زنان به استناد نتایج رگرسیون چندمتغیره به عنوان عامل مهم، مؤثر و پیش‌بینی کننده در تأخیر اقدام به ازدواج زنان متأهل شهر تهران به حساب می‌آید. همچنین بین سطح تحصیلات بالای زنان متأهل، باروش انتخاب همسر، سطح توقعات

۱. استادیار جامعه شناسی دانشگاه امام حسین (ع)

mirsondosi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

اقتصادی (رابطه منفی و معکوس)، سطح توقعات اجتماعی (مساوات طلبی و استقلال طلبی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

لازم به یادآوری است که بخشی از تاثیرات تحصیلات بر متغیرهای وابسته (روش انتخاب همسر، سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) ناشی از افزایش سن زنان (بعنوان متغیر کنترلی) می باشد.

نتایج این تحقیق با کل نظریه ویلیام گود و بخشی از دیدگاه نظری روت دیکسون مطابقت دارد.

وجه تمایز این تحقیق با موارد مشابه در این است که:

۱- بین میزان تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اقتصادی دختران شهر تهران رابطه معنی دار منفی و معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه سطح تحصیلات آن-ها بالاتر می رود سطح توقعات اقتصادی شان در زندگی کمتر می شود.

۲- بین میزان تحصیلات زنان متأهل و میزان فشارهای اجتماعی (احساس درونی منفی از مجرد) رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات دختران متأهل بالاتر می رود میزان فشارهای اجتماعی (احساس درونی منفی از مجرد) هم بیشتر می شود و در واقع فرد تمایل بیشتری برای ازدواج از خود نشان داده است.

\* \* \* \* \*

#### کلیدواژه:

ازدواج، افزایش سن ازدواج، تحصیلات، دختران

## مقدمه

مساله ازدواج و زناشوئی از جمله مسائل مهم و اساسی در تشکیل خانواده و ادامه نسل بشر بوده و در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمانها و مکانها وجود داشته است (نوابی نژاد، ۳۸، ۱۳۷۹).

در پی وقوع انقلاب صنعتی و تحت تأثیر آن، فرآیند مدرنیزه شدن کشورها از جمله ایران، نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و ازدواج دستخوش تغییر و تحولات شده است (احمدی محمدآبادی، ۹۸، ۱۳۸۶).

به همین جهت امروزه در خانواده شاهد پیدایش پدیده‌ای به نام افزایش سن ازدواج هستیم.

صاحب نظران مختلف عوامل متعددی از جمله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی را در سن ازدواج مؤثر می‌دانند. گود<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) در تئوری نوگرایی، افزایش فرصت‌های تحصیلی، نوع شغل و شهرنشینی را به عنوان مهمترین عوامل تاثیرگذار بر الگوی ازدواج معرفی می‌کند.

ون دکا<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) تأثیر افزایش میزان تحصیلات زنان به همراه استقلال - اقتصادی آنان را به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار در تحولات ازدواج معرفی می‌کند.

دیکسون<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) معتقد است که سه متغیر دسترسی، امکان و تمایل بر ساختار اجتماعی الگوی ازدواج تاثیر می‌گذارد.

آستین افشان (۱۳۸۰) مهمترین عوامل مؤثر بر نوسانات میانگین سن ازدواج در

<sup>1</sup> -Good, William

<sup>2</sup> -Van, Dekaa

<sup>3</sup> -Dixon, Ruth

سال ۱۳۵۵ را میزان با سواد، در سال ۱۳۶۵ را نسبت جنسی و در سال ۱۳۷۵ را میزان تحصیلات عالی می‌داند.

با مقایسه و بررسی اجمالی آمار سن ازدواج در چهل سال گذشته (سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵) دقیقاً متوجه تغییر و تحولات ناشی از آثار مدرنیته می‌شویم:

۱. بررسی میانگین سن ازدواج زنان طی ۴۰ سال گذشته از ۱۸/۴ به ۲۳/۳ سال رسیده در حالی که این تغییر برای مردان از ۲۵ به ۲۶/۳ سال می‌باشد (سرشماری مرکز آمار ایران در ماه آبان ۱۳۸۵).

۲. مقایسه میزان عمومیت ازدواج: این نسبت برای زنان طی ۴۰ سال از ۹۹/۲ درصد به ۹۸/۲ درصد کاهش یافته، در حالی برای مردان از ۹۸/۵ درصد به ۹۸/۷ درصد افزایش یافته است (سرشماری مرکز آمار ایران در ماه آبان ۱۳۸۵).

۳. میزان مجرد قطعی مردان از ۱/۵ درصد به ۱/۳ درصد کاهش یافته و در مقابل این میزان برای زنان از ۰/۸ درصد به ۱/۸ درصد افزایش یافته است (سرشماری مرکز آمار ایران در ماه آبان ۱۳۸۵).

لذا با توجه به موارد بیان شده، تحقیق حاضر از آن جهت به صورت خاص برای "سن ازدواج دختران" در نظر گرفته شده که:

نخست این که در جامعه ما به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، دختران بیش از پسران دچار آسیب می‌شوند.

دوم آن که تحصیلات عالی دختران نسبت به پسران در حال افزایش است.

سوم این که سن ازدواج دختران نسبت به پسران روند در حال رشد است.

۴. از آنجایی که ارتقای علمی و رشد سطح تحصیلات، مورد تأکید اسلام است و از طرفی برابر دیدگاه‌های نظری (نظریه مدرنیزه ویلیام گود و تحقیقات انجام شده) "تحصیلات" (به عنوان عامل بنیادی ناشی از تأثیرات مدرنیته در ایران) باعث بالا رفتن سن مجرد زنان شده لذا پرسش نهایی این گونه مطرح خواهد شد:

۱. آیا بالا رفتن سطح تحصیلات مانع ازدواج به موقع زنان در جامعه ما خواهد بود؟

۲. میزان تأثیر تحصیلات زنان بر "بالارفتن سن مجرد" آنها تا چه حد است؟

۳. میزان تأثیر تحصیلات زنان بر روش انتخاب همسر، سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی تا چه میزان است؟

ازدواج یکی از بهترین نیازهای آدمی است که دین مقدس اسلام به آن اهمیت فراوانی داده و آن را از بهترین سنت‌های دینی شمرده که مایه برکات بی‌شماری است. خداوند در قرآن کریم در آیه‌های ۲۱ و ۱۸۹ سوره‌های روم و اعراف می‌فرماید: "و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این معنا نشانه‌هایی است برای اهل تفکر" (سوره روم، آیه ۲۱).  
 "او کسی است که شما را از تن یگانه‌ای آفرید و همسرش را از او پدید آورد تا در کنار او آرام گیرد و..." (سوره اعراف، آیه ۱۸۹).

اهمیتی که اسلام برای ازدواج و خانواده قائل شده، در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است. لذا همه قوانین و مقررات و برنامه‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در خصوص ضرورت و اهمیتی که این تحقیق می‌تواند در برداشته باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولاً با اهتمام به گذار جامعه ایرانی از نظم سنتی به نظم مدرن و وضعیت در حال اضمحلال بافت و مکانیسم‌های سنتی، همواره این نگرانی وجود دارد که در جریان این تغییر و تحولات، شاهد نابسامانی‌ها و آشفتگی‌هایی در تمام عرصه‌های زندگی شویم. یکی از این زمینه‌ها، تغییر در نهاد خانواده و ازدواج است. به طوریکه بر اساس مجموعه یافته‌های تحقیقات پیشین به این نتیجه می‌رسیم که جامعه ما طی دهه‌های اخیر انتقال در میانگین سن ازدواج زنان، نسبت تجرد، میزان طلاق و انتقال در ترکیب جنسی افراد ازدواج نکرده را تجربه کرده است. (در سال ۱۳۸۵ جمعیت دختران مجرد بالای ۳۵ سال ۶/۰۸ درصد است در حالی که جمعیت مردان مجرد در این سن ۴/۹۹ درصد بود).

این تغییرات از سویی نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی، بالا رفتن نسبت شهرنشینی، گسترش امکانات تحصیلی و آموزشی و به موازات آن بالا رفتن سطح آگاهی عمومی به واسطه رسانه‌های ارتباطی، تغییرنگرش سنتی به زن و افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی است.

ثانیاً غالب تحقیقات و مطالعات موجود در این خصوص، به بررسی علل صوری و ظاهری مؤثر بر پدیده افزایش سن ازدواج پرداخته و در تحقیقات کمتری مشاهده می‌شود که به بررسی تحلیلی و عمیق مشکلات و چالش‌های مربوط به ازدواج توجه نشان داده باشد به طوری‌که در اکثر بررسی‌ها تنها به ذکر مشکلات مالی و اقتصادی اکتفا شده است. هر چند که نقش این عوامل را نمی‌توان انکار کرد، اما پرسش اساسی این است که آیا عوامل مذکور، علت و ریشه به حساب می‌آیند و یا در اصل، خود نیز معلول علل زیر بنایی تری از جمله تغییر در نظام باورها و نگرش‌ها، بازخورهای خانواده و مسئولان می‌باشند؟ (طاهرپور، باغگلی، حسینی، ۲۲۲، ۱۳۸۶)

مسلماً پاسخ‌های متفاوت به این سؤال، تأثیر بسیار زیادی بر راهبردها و خط-مشی‌هایی که جامعه برای حل مشکلات مربوط به ازدواج در پیش می‌گیرد، خواهد گذاشت.

ثالثاً عاملی که اهمیت این تحقیق را بیشتر نشان می‌دهد، پیامدهای خاص ناشی شده از این مسئله است، که جامعه را در خود فرو می‌برد. زیرا همان‌طور که می‌دانیم، ازدواج در هر جامعه‌ای امری مهم و ضروری می‌باشد، چرا که عاملی برای نجات انسان‌ها از آلودگی‌ها، موجبی برای رهایی از تنهایی و سببی برای بقای نسل بشر است.

از این رو خودداری از ازدواج، گاه سبب عدم تعادل، نابهنجاری در رفتار، سلب مسئولیت، فساد اخلاقی، از دست دادن فرصت‌ها و ایجاد ناامنی و عوارض جسمانی و روانی در افراد و به خطر افتادن سلامت جامعه می‌شود.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع ۵۹،۵۲۲،۷۴۷ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور ۳۰،۲۴۴،۲۷۰ نفر مرد و ۲۹،۲۷۸،۴۷۷ نفر زن هستند که جمعیت دختران مجرد بالای ۳۵ سال کشور به ۶ میلیون و یکصد هزار نفر می‌رسد و این در حالی است که جمعیت پسران مجرد از ۴ میلیون و سیصد هزار نفر تجاوز نمی‌کند. این آمار نشان می‌دهد که در خوش‌بینانه‌ترین حالت نیز دو میلیون و چهارصد هزار دختر ایرانی هیچ‌گاه فرصت ازدواج پیدا نخواهند کرد. از طرفی در دهه‌های اخیر شاهد گرایش شدید (ربودن رقابت از پسران) دختران به اشتغال و تحصیلات عالی و دانشگاهی هستیم که این امر از لحاظ مطالعات جامعه‌شناسی زنگ خطری برای خانواده‌ها و مسئولان نظام محسوب خواهد شد و وظیفه مددکاران، روانشناسان و مشاوران و پژوهشگران علوم اجتماعی را در جهت ریشه‌یابی، پیشگیری و ارائه راهکارهای عملی دو چندان می‌کند.

با توجه به موارد بالا و با اهمیتی که فرهنگ اسلامی برای ازدواج و تشکیل خانواده قائل شده است، شاهد بالا رفتن سن ازدواج هستیم. از سوی دیگر، ازدواج به عنوان یک امر مقدس و یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضای غریزه جنسی می‌تواند در رأس ارزش‌ها قرار گیرد و نقش مؤثری در سلامت فردی و اجتماعی و افزایش ضریب امنیت جامعه و در نهایت کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد.

#### اهداف تحقیق

الف. آگاهی و شناخت به نحوه تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر "بالا رفتن سن مجرد" آنها تا چه میزان می‌باشد.



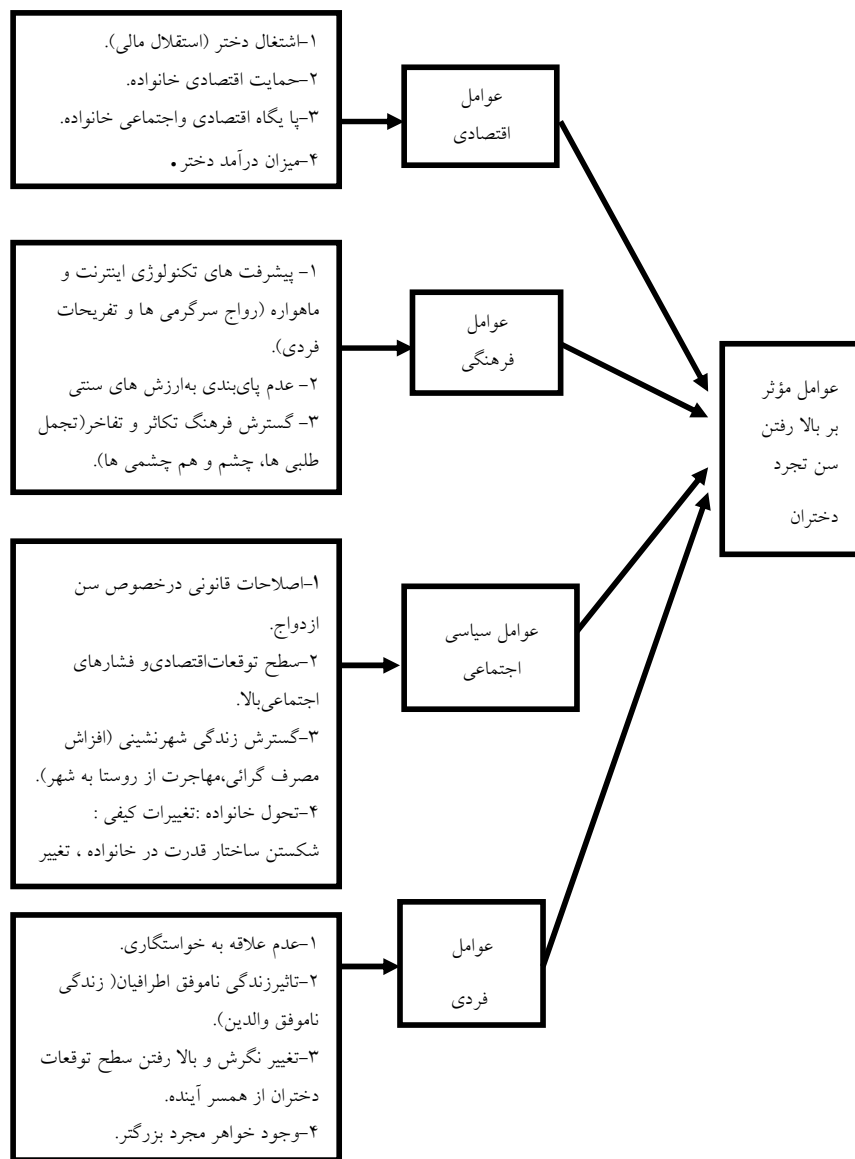
ب. پیشگیری و یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن و ایجاد زمینه‌های ازدواج به هنگام برای زنان می‌باشد.

اگر چه تأثیرات منفی روز افزون مدرنیته در زمینه ازدواج جوانان را نمی‌توان کاملاً منتفی کرد ولی می‌توان با شناخت زمینه‌های تأثیرگذار از شدت اثرگذاری منفی آن کاست و زمینه‌های پیشگیری از تبعات منفی آن را جزء اولویت‌های برنامه ریزان و مسئولان امر قرار داد.

#### چارچوب نظری

با مروری بر ادبیات نظری و تجربی تحقیق در خصوص بالا رفتن سن مجرد مشخص شد که صاحب نظران مختلف عوامل متعددی از جمله عوامل فردی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی عوامل سیاسی را در بالا رفتن سن مجرد مؤثر می‌دانند.

مجموعه یافته‌های تحقیقات مذکور بیانگر این است که جامعه ما طی دهه‌های اخیر انتقال در میانگین سن ازدواج زنان، میزان مجرد و انتقال در ترکیب جنسی افراد ازدواج نکرده را تجربه کرده است. این تغییرات از سویی محصول بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بالا رفتن میزان شهرنشینی، گسترش امکانات تحصیلی و آموزشی و به موازات آن بالا رفتن سطح آگاهی عمومی به واسطه رسانه‌های ارتباطی، تغییر نگرش سنتی به زن و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی است. به نظر می‌رسد عوامل مؤثر بر افزایش سن مجرد دختران را بتوان به طور خلاصه و به صورت نمودار شماره (۱) به شرح زیر نشان داد:



بهره‌گیری مدل نظری تحقیق حاضر از دو دیدگاه ("ویلیام گود" و "روت دیکسون") بیشتر از آن جهت است که **اولاً نظریه مدرنیزاسیون گود** یک تحول اساسی و بنیادی در سطوح فردی، خانوادگی و جامعه ایجاد کرده و در واقع تغییر و تحول نگرش فردی، خانوادگی و اجتماعی ناشی از مدرنیزاسیون، باعث تأثیر بر سن ازدواج شده است (گود، ۱۴۷، ۱۹۸۳).

**دوم آنکه طبق نظریه دیکسون** سه متغیر دسترسی<sup>۱</sup>، امکان<sup>۲</sup> و تمایل<sup>۳</sup> اثرات ساختار اجتماعی را بر الگوهای ازدواج متعادل می‌کنند. به طوری که متغیر دسترسی از طریق توازن نسبت (سنی و جنسی)، روش انتخاب همسر، متغیر امکان از طریق سطح توقعات وضعیت اقتصادی و اجتماعی و متغیر تمایل، توسط فشارهای اجتماعی (احساسات درونی مثبت و منفی نسبت به مجرد) فردان اندازه‌گیری می‌شود (دیکسون، ۲۳۳، ۱۹۷۱).

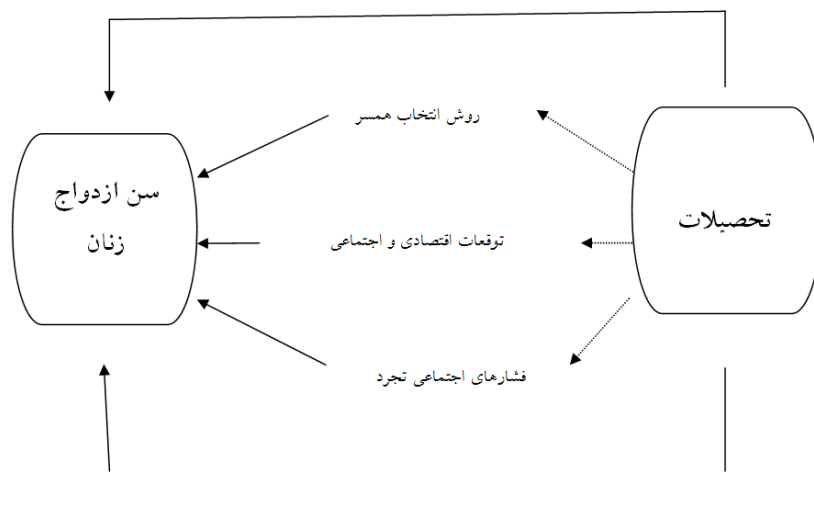
**مدل نظری تحقیق حاضر** به شرح نمودار شماره (۲) زیر ارائه می‌شود:

---

<sup>1</sup> -Availability

<sup>2</sup> -Feasibility

<sup>3</sup> -Desirability



#### فرضیه‌های کلی تحقیق

**فرضیه کلی یکم:** بین سطح تحصیلات زنان و تأخیر در سن ازدواج (بالا رفتن سن تجرد) دختران شهر تهران، رابطه معنی داری وجود دارد.

**فرضیه کلی دوم:** بین سطح تحصیلات زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته (روش انتخاب همسر، توقعات اقتصادی، توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) زنان متأهل رابطه معنی داری وجود دارد.

#### فرضیه‌های جزئی تحقیق

**فرضیه جزئی یکم:** بین سن تولد زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته (روش انتخاب همسر، سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) رابطه معنی داری وجود دارد.

**فرضیه جزئی دوم:** بین سن ازدواج زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته (روش انتخاب همسر، توقعات اقتصادی، توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) رابطه معنی داری وجود دارد.

### روش

روش تحقیق حاضر به صورت پیمایشی می باشد و عمده مفاهیم بکار رفته در این پژوهش عبارتند از: سن ازدواج، تحصیل، روش انتخاب همسر، توقعات اقتصادی، توقعات اجتماعی و فشارهای اجتماعی که توضیحات مختصر آن بشرح زیر ارائه می شود:

### تعریف متغیرها

#### ۱. متغیر "سن ازدواج"

در این تحقیق "سن ازدواج" عبارت است از سن اولین ازدواج زن که برای اولین بار به عقد دائم مردی در می آید. از طرفی "تأخیر سن ازدواج" برای کلیه دخترانی که تا قبل از رسیدن به سن ۲۵ سالگی، هیچ گونه اقدام رسمی، قانونی و مطابق با عرف جامعه برای ازدواج نکرده اند و یا بعد از سن ۲۵ سالگی به بعد اقدام به ازدواج نکنند، اطلاق می شود.

سن ازدواج مناسب و مطلوب برای خانم ها بین ۱۸ تا ۲۴ سالگی و برای آقایان بین ۲۱ تا ۲۷ سالگی می باشد (سازمان ملی جوانان ایران).

لازم به توضیح است که دلایل انتخاب سن ۲۵ سال و به بالا به عنوان سن تأخیر در ازدواج به شرح زیر می باشد:

الف. سازمان ملی جوانان ایران سن ازدواج مناسب و مطلوب برای خانم‌ها را بین ۱۸ تا ۲۴ سالگی و میانگین سن ازدواج دختران در سال ۸۵ را ۲۰ تا ۲۴ سال اعلام کرده است.

ب. از نظر متخصصان فیزیولوژیک، سن مناسب برای ازدواج دختران ۱۸ تا ۲۴ سال توصیه می‌شود.

### ۲. متغیر "تحصیل"

میزان سال‌هایی که فرد در نهاد رسمی آموزش و پرورش و حوزه علمیه به آموزش دانش فن و مهارت می‌پردازد و در نهایت مفتخر به اخذ مدرک تحصیل می‌شود مورد نظر می‌باشد.

### ۳. متغیر "روش انتخاب همسر"

برای عملیاتی کردن این متغیر با در نظر گرفتن اهمیتی که فرد به نظر والدین در انتخاب همسر می‌دهد، با سه عنوان فرد محور، والد و فرد محور، والد محور مشخص می‌شود.

### ۴. متغیر "توقعات اقتصادی"

منظور از توقعات اقتصادی توقعاتی است که زن از شرایطی که در حین یا پس از ازدواج انتظار دارد و شامل میزان درآمد و دارایی مرد، داشتن مسکن مستقل، سطح توان مالی خانواده مرد، میزان جهیزیه، مهریه و مراسم عروسی می‌باشد (آستین‌افشان، ۶۸، ۱۳۸۰).

### ۵. متغیر "توقعات اجتماعی"

توقعاتی است که زن از همسر خود در ارتباط با توزیع مسئولیت‌ها، میزان آزادی و استقلال زنان در امور مختلف دارد و از طریق مساوات طلبی (میزان

مشارکت مرد در کار خانه، نقش سنتی زن به عنوان همسر و مادر، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم خانه) و استقلال طلبی زنان (اهمیت شغل همسر، پس‌اندازهای مالی، اختیار در هزینه کردن) مشخص می‌شود (آستین افشان، ۶۸، ۱۳۸۰).

#### ۶. متغیر "فشار اجتماعی"<sup>۱</sup>

"فشار اجتماعی نیروهای بالفعل یا بالقوه اجتماعی در جهت کنترل اندیشه، رفتار یا عمل انسان‌ها و یا هدایت آن در مسیری خاص می‌باشد" (ساروخانی، ۷۸۱، ۱۳۷۰).

متغیر فشار اجتماعی به عنوان متغیر سوم در نظریه دیکسون است که از آن به عنوان متغیر تمایل<sup>۲</sup> یاد شده است. دیکسون معتقد است "فشار اجتماعی نه فقط شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی نیست بلکه شامل مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی، ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا تجرد قطعی از یک سن معین به بالاست. اگر پاداش اجتماعی برای تجرد در سن معین بیشتر از مجازات آن باشد، یقیناً ازدواج به تأخیر می‌افتد (دیکسون، ۲۳۳، ۱۹۷۱).

**جامعه آماری:** بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ کل جمعیت زنان بین ۲۰ تا ۵۰ سال ساکن در شهر تهران ۲۰۸۱۰۳۶ نفر بدست آمده است که با توجه به - فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه آماری مورد نظر ۳۸۵ نفر تعیین می‌شود.

<sup>۱</sup> -Social Pressure

<sup>۲</sup> Desirability

همچنین با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۵۰۰ عدد پرسشنامه را در ۵ منطقه تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) توزیع کردیم. مدت زمان متوسط برای تکمیل هر پرسشنامه ۱۰ الی ۱۵ دقیقه پیش‌بینی شده بود.

ضریب اعتبار و پایایی<sup>۱</sup> پرسشنامه این تحقیق بر اساس نتایج حاصل از مطالعات مقدماتی به روش "ری تست"، ۰/۷۸ و بر اساس نتایج نهایی و با استفاده از آزمون "آلفای کرونباخ" ۰/۶۲ بدست آمده است و ضریب روایی<sup>۲</sup> پرسشنامه بر اساس قضاوت هفت نفر از کارشناسان، اساتید راهنما و مشاور بدست آمده است.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی<sup>۳</sup> بانک اطلاعات داده‌ها تشکیل می‌شود، سپس برای پردازش داده‌ها، ابتدا نتایج توصیفی در قالب جداول یک بعدی و سپس در راستای آزمون فرضیه‌های تحقیق، نتایج تحلیلی تدوین می‌شود.

#### یافته‌ها

#### توصیف داده‌ها

الف. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تأهل و مجرد:

<sup>۱</sup> -Reliability

<sup>۲</sup> -Validity

<sup>۳</sup> -Spss



- از مجموع پاسخگویان، ۶۵/۳ درصد مجرد و ۳۴/۷ درصد متأهل هستند.
- ب. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ازدواج متأهلین:  
توزیع فوق نشان می‌دهد ۶۱/۸ درصد از پاسخگویان متأهل در سن ۲۰ تا ۲۴ سال، ۳۳/۴ درصد در سن ۲۵ سال و به بالا اقدام به ازدواج نموده‌اند. میانگین سن ازدواج ۲۳/۴۲ سال می‌باشد.
- پ. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن مناسب ازدواج متأهلین:  
بیانگر آن است که ۶۶/۷ درصد از پاسخگویان در سن مناسب ازدواج کرده و ۳۳/۳ درصد بقیه با تأخیر اقدام به ازدواج کرده‌اند.
- ت. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن مجردین:  
توزیع فوق نشان می‌دهد ۶۲/۷ درصد سن پاسخگویان مجرد ۲۰ تا ۲۴ سال، ۳۷/۳ درصد ۲۵ سال و به بالا دارند. میانگین سن دختران مجرد ۲۴/۶۵ سال می‌باشد.
- ج. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات:  
توزیع فوق نشان می‌دهد، ۲۵/۱ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۲۶/۳ درصد فوق دیپلم، ۴۸/۷ درصد لیسانس و بالاتر هستند. میانگین سال-های تحصیل متأهل و دختران مجرد به طور مساوی ۱۵/۰۳ سال تحصیلی می‌باشند.
- چ. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ایده‌آل برای ازدواج:  
با توجه به توزیع فوق ملاحظه می‌شود که بیشترین درصد از پاسخگویان یعنی ۴۵/۱ درصد سن ایده‌آل برای ازدواج دختران را ۲۵ تا ۲۹ سالگی پیشنهاد نموده‌اند و به طور مساوی ۱/۵ درصد سن ۱۹ سال و

کمتر و ۳۵ سال به بالا را انتخاب کرده‌اند. میانگین سن ایده‌آل برای ازدواج از نظر پاسخگویان ۲۴/۵۷ سال می‌باشد.

#### آزمون فرضیه‌های تحقیق

**فرضیه کلی یکم**، با احتمال ۰/۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود (فرض صفر رد می‌شود).

بدین معنا که بین سطح تحصیلات زنان و تأخیری سن ازدواج (بالا رفتن سن مجرد) دختران شهر تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

**فرضیه کلی دوم** بین سطح تحصیلات زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته، روش انتخاب همسر، توقعات اقتصادی، توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی، فقط در زنان متأهل رابطه معنی‌داری بشرح زیرووجود دارد. و در زنان مجرد رابطه معناداری نیست.

الف. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و روش انتخاب همسر رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و روش انتخاب همسر با ضریب اطمینان قرار است. پس می‌توان نتیجه گرفت، هرچه تحصیلات بالاتر می‌رود، ارجحیت‌های انتخاب همسر بیشتر به سمت نظر دختر گرایش دارد.

ب. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و سطح توقعات اقتصادی پذیرفته می‌شود، این رابطه با ضریب اطمینان ۰/۹۹ برقرار است. هر چه تحصیلات بالاتر می‌رود، سطح توقعات اقتصادی کمتر می‌شود.

پ. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اجتماعی (مساوات طلبی) رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و

توقعات اجتماعی (مساوات طلبی) با ضریب اطمینان ۰/۹۹ برقرار است. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، سطح توقعات اجتماعی (مساوات طلبی) زنان هم بیشتر می‌شود.

ت. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اجتماعی (استقلال طلبی) رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و توقعات اجتماعی (استقلال طلبی) با ضریب اطمینان ۰/۹۹ برقرار است. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، سطح توقعات اجتماعی (استقلال طلبی) زنان هم بیشتر می‌شود.

ث. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و توقعات اجتماعی با ضریب اطمینان ۰/۹۹ برقرار است. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، سطح توقعات اجتماعی فرد هم بیشتر می‌شود.

ج. بین سطح تحصیلات زنان متأهل و میزان فشار اجتماعی (مجازات) رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی وجود رابطه بین تحصیلات متأهلین و فشار اجتماعی (مجازات) با ضریب اطمینان ۰/۹۹ برقرار است. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، میزان سطح فشار اجتماعی (مجازات) هم بیشتر می‌شود و فرد تمایل بیشتری برای ازدواج از خود نشان خواهد داد.

**فرضیه جزئی یکم:** بین سن تولد زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته (روش انتخاب همسر، سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) رابطه معنی‌دار وجود دارد. لازم به توضیح است که برای استفاده بهتر از نتایج تحقیق از متغیر "سن" به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده و

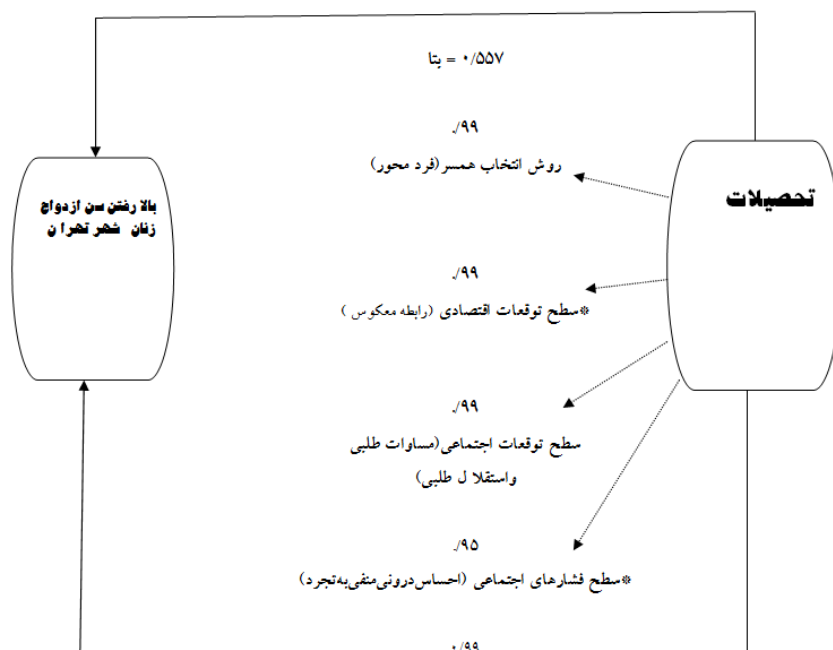
رابطه آن با متغیرهای وابسته مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق فوق نشان می‌دهد که فقط بین سن تولد و متغیرهای وابسته (سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات استقلال طلبی، فشارهای اجتماعی و فشارهای درونی مثبت اجتماعی) رابطه معنی‌داری وجود دارد و در مورد سایر متغیرها رابطه معنی‌داری نیست. به عبارت دیگر بخشی از تاثیرات تحصیلات بر متغیرهای وابسته (روش انتخاب همسر، سطح توقعات اقتصادی، سطح توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) ناشی از افزایش سن زنان می‌باشد.

**فرضیه جزئی دوم:** بین سن ازدواج زنان شهر تهران و ابعاد متغیر وابسته (روش انتخاب همسر، توقعات اقتصادی، توقعات اجتماعی، فشارهای اجتماعی) رابطه معنی‌داری وجود دارد. فقط بین افزایش سن مجرد زنان مجرد و سطح توقعات اقتصادی بالا با احتمال  $0/95$  درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی بین سطح توقعات اقتصادی و بالا رفتن سن زنان مجرد رابطه وجود دارد. ملاحظه می‌شود رتبه میانگین زنانی که معتقدند بایستی مراسم آنها مجلل‌تر از اقوام و آشنایان باشد، بالاتر از افراد دارای توقعات کمتر است، لذا توقعات بالا در بالا رفتن سن آنها مؤثر است. در مورد سایر متغیرها رابطه معنی‌دار نیست.

#### فرضیه‌های تأیید شده

فرضیه‌های اثبات شده همراه با ضرایب (وزن بتاها) تحلیل مسیر مدل پژوهش مذکور، برای زنان متأهل به صورت نمودار زیر نشان داده می‌شود:

### نمودار شماره (۳) تحلیل مسیرمدل تحقیق حاضر برای زنان متأهل



#### بحث و تفسیر

مقایسه نتایج تحقیق با یافته‌های تحقیقات مشابه پیشین: هرچند بخشی از نتایج این تحقیق با دیدگاه‌های نظری ارائه شده مطابقت دارد اما وجه تمایز تحقیق مذکور با موارد مشابه، در خور توجه است:

۱. بین میزان تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اقتصادی دختران شهر تهران رابطه معنی‌دار منفی و معکوسی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه سطح تحصیلات آنها بالاتر می‌رود سطح توقعات اقتصادی آنها در زندگی کمتر می‌شود.

دلایل توجیه این فرضیه به شرح زیر می‌باشد:

**الف.** احتمالاً زنان متأهل دچار هاله زندگی متأهلی شده‌اند و از طرفی خواسته‌هایشان تعدیل شده است.

**ب.** احتمال دیگر، به یاد نیاموردن شرایط آن زمان به هنگام پاسخ به پرسشنامه می‌باشد.

**ج.** تحصیلات این امکان را به زنان می‌دهد که در ظواهر مخاطب متوقف نشوند و دیدگاه و معیارشان تغییر کند و در نتیجه توجه آنها به مسائل اقتصادی کم‌رنگ‌تر شود.

**۲.** بین میزان تحصیلات زنان متأهل و میزان فشارهای اجتماعی (سطح احساسات منفی فشارهای اجتماعی) رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. بدین معنی که هر چه سطح تحصیلات دختران متأهل بالاتر می‌رود میزان فشارهای اجتماعی (سطح احساسات منفی فشارهای اجتماعی) هم بیشتر می‌شود و در واقع فرد تمایل بیشتری برای ازدواج از خود نشان داده است.

دلایل توجیه این فرضیه به شرح زیر می‌باشد:

**الف.** افزایش تحصیلات در صورتی که توأم با افزایش تهذیب و معنویت باشد موجب رشد جنبه‌های انسانی او می‌شود، در نتیجه فرد علی‌رغم تحصیلات بالا زودتر اقدام به ازدواج کرده است.

**ب.** حرف‌های اطرافیان در زنان متأهل تحصیل کرده با توجه به رشد شخصیت و منش آنها بیشتر مؤثر بوده و افزایش سطح احساسات منفی فشارهای

اجتماعی نسبت به پاداش‌های اجتماعی مثبت، باعث گرایش آنها به ازدواج شده است.

لذا در پاسخ به سولات طرح شده می‌توان گفت که با توجه به اهمیتی که اسلام برای تحصیلات قائل شده، ادامه تحصیلات عالی و دانشگاهی برای زنان به شرطی که با تهذیب نفس، رشد جنبه‌های انسانی و معنوی همراه باشد، مانعی برای ازدواج آنان نمی‌باشد. بلکه برابر تحقیق مذکور تحصیلات بالا در زنان باعث می‌شود سطح توقعات اقتصادی آنها در زندگی به شدت پایین بیاید. به عبارت دیگر تحصیلات این امکان را به زنان می‌دهد که در ظواهر مخاطب متوقف نشوند، دیدگاه و معیارشان تغییر کند و در نتیجه توجه آنها به مسائل اقتصادی کم‌رنگ‌تر شود.

به علاوه رشد شخصیت و منش آن‌ها بر اثر تحصیلات بالا باعث می‌شود که آنها حس درونی منفی نسبت به مجرد پیدا کنند و در نتیجه گرایش به ازدواج در آنان تقویت خواهد شد. در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج نمی‌تواند مانع از تحصیلات عالی و دانشگاهی برای زنان جامعه ما شود.

#### پیشنهادات

۱. ارائه پیشنهادات و مشکلات علمی برای کارهای تحقیق بعدی  
الف. عدم پرسشنامه استاندارد در این خصوص ممکن است باعث نتایج متفاوت شود، لذا پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مربوط به ویژه سازمان ملی جوانان کشور درصدد تهیه پرسشنامه استاندارد شده و علمی (با توجه به تفاوت‌های فرهنگی هر شهر و استان) برآیند.

ب. به علت عدم فرهنگ سازی و یا مسائل فرهنگی و سرگرمی‌های موجود در جامعه (ناشی از تکنولوژی) بسیاری از جوانان مسئله تأخیر سن ازدواج را جدی نمی‌گیرند و در نتیجه به هنگام پاسخ به سوالات ممکن است با دقت و آگاهی به سوالات پاسخ ندهند.

لذا پیشنهاد می‌شود که در دروس عمومی دانشگاه‌ها حداقل ۲ واحد درسی در خصوص مسائل ازدواج و پیامدهای ناشی از تأخیر آن قرار داده شود.

ج. برای تسریع و جلوگیری از سردرگمی دانشجویان که قصد تحقیق در این خصوص را دارند، پیشنهاد می‌شود مراکز پژوهشی مربوطه از جمله سازمان ملی جوانان همکاری و راهنمایی مناسب و خوبی در این زمینه با آنها داشته باشند تا این گونه پژوهش‌ها با هدفمندی و در جهت تکمیل اقدامات و پژوهش‌های قبلی پیش رود؛ به عبارتی از کارهای تکراری جلوگیری شود و پژوهش‌های انجام شده نیز برای برنامه‌ریزان و مسولین مؤثر واقع شود.

## ۲. ارائه پیشنهادات عملی کاربردی مبتنی بر نتایج تحقیق

الف. با استناد اثبات فرضه جزئی یکم تحقیق سطح تحصیلات بالا در زنان متأهل در روش انتخاب همسر "فردمحور" مؤثر می‌باشد. توانمندسازی جوانان در انتخاب معیارهای همسرگزینی و شیوه‌های انتخاب همسر و توجه به نقش مشورت با والدین در انتخاب همسر.

ب. با استناد اثبات فرضه جزئی دوم تحقیق (هر چه سطح تحصیلات زنان متأهل بالاتر می‌رود سطح توقعات اقتصادی آنها از زندگی کمتر می‌شود). باید نسبت به نگرش خانواده به تحصیلات عالی تغییر ایجاد شود. بدین معنا که الزاماً تحصیلات بالا باعث بالا رفتن سطح توقعات



اقتصادی آنها از زندگی نمی‌شود، بلکه تحصیلات این امکان را به زنان می‌دهد که در ظواهر مخاطب متوقف نشوند و دیدگاه و معیارشان تغییر کرده و در نتیجه توجه آنها به مسائل اقتصادی کم‌رنگ‌تر شود.

ج. با استناد اثبات فرضه جزئی دوم تحقیق (هر چه سطح تحصیلات دختران متأهل بالاتر می‌رود میزان فشارهای اجتماعی " سطح احساسات منفی فشارهای اجتماعی " هم بیشتر می‌شود و در واقع فرد تمایل بیشتری برای ازدواج از خود نشان داده است). باید نسبت به نگرش خانواده به تحصیلات همراه با تهذیب نفس و رشد معنویت تغییر ایجاد شود؛ بدین معنا که الزاماً تحصیلات بالا باعث بالا رفتن سطح توقعات اقتصادی آنها از زندگی نمی‌شود، بلکه افزایش تحصیلات در صورتی که با افزایش تهذیب و معنویت همراه باشد موجب رشد جنبه‌های انسانی او می‌شود و در نتیجه فرد با وجود تحصیلات بالا زودتر اقدام به ازدواج خواهد کرد.

#### منابع

۱. آستین افشان، پروانه (۱۳۸۰)، بررسی روند تحولات سن ازدواج زنان و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۵۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲. احمدی محمد آبادی، محمدرضا (۱۳۸۶): تقویت نظام خانواده و آسیب-شناسی آن (جلد اول)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۳. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، بررسی رفتارهای خطر ساز جوانان با تأکید بر روابط جنسی آزاد (مورد مطالعه موردی شهر تهران)

۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.

۵. طاهرپور، محمدشریف، باغگلی حسین، حسینی، سید معاد (۱۳۸۶)، بررسی نگرش و عملکرد دانشجویان در مورد رابطه با جنس مخالف، خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی انتشارات دانشگاه شاهد. تهران.

۶. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، مشاوره ازدواج و خانواده. تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

7. Dixon, Ruth. (1971) 'Explaining Cross Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions never Marrying population Studies' *Journal of Marriage and the Family*, 25(2).
8. Good, V. (1983), *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.
9. United Nations. (2000). *World Marriage Pattern*.
10. Van Dekaa, D. (1987), *Europem's Second Demographic. Transition, population, Bulletin*, Vol 44(1).

1.8

|

